

خیلواکی



استقلال

[www.esteqtaal.net](http://www.esteqtaal.net)

جمعه ۰۲ می ۲۰۲۵

از منابع دیگر

## نجیب و خاد

خاد (خدمات اطلاعات دولتی) نفرت برانگیزترین و مخوف ترین نهاد حکومتی در بین مردم بود. ارگان های امنیتی دولت پس از تجاوز روس ها به افغانستان روی خطوط تشکیلاتی کی. جی. بی بازسازی شد. در واقع ۵۶ درصد اعضای حزب دموکراتیک خلق و ۲۸ درصد اعضای سازمان دموکراتیک جوانان با شور و هیجان آموزش عملیاتی خود را در اتحاد شوروی و در یک مرکز آموزشی در کابل فرا می گرفتند. (واسیلی متروخین)

خاد بخشی از تشکیلات سازمان استخباراتی شوروی (کی. جی. بی) به شمار می رفت. کارشناسان کی. جی. بی با حضور فعالشان در این دستگاه ترور و اختناق، شیوه های خبرچینی و جمع آوری اطلاعات مربوط به مخالفان رژیم را به اعضای خاد آموزش می دادند.

**دستگاه خاد** به عنوان عامل پیگرد، شکنجه و کشتار مخالفین به خصوص مبارزان و آزادیخواهان شناخته می شد. تکنیک های شکنجه گری خاد شامل بیخوابی، گرسنگی، تکان برقی، شلاق زدن، مشت و لگد زدن، استعمال بوتل فانتا، اماله آب جوش در روده ها، کندن موی سر و کشیدن دندان و ناخن دست و پای و دهها نوع دیگر شکنجه بود. کی. جی. بی نه تنها تمویل و آموزش کارمندان آن را به عهده داشت، بلکه ابزارهای شکنجه مخصوص برای کشیدن ناخن را نیز در خدمت آنها گذاشته بود.

خاد در واقع دولت مستقلی بود در درون دولت، که نه تنها مردم و همه ارگانهای دولتی و دیپلمات های خارجی را زیر نظر داشت، بلکه کاخ ریاست جمهوری و پیوند های رئیس جمهور را نیز کنترل می کرد.

نجیب الله با جرأت «بیریا» رئیس پولیس مخفی ستالین، حکم اعدام و بازداشت هشتاد هزار انسان بیگناه را بی رحمانه امضاء کرد و بدان افتخار هم می کرد. وی بهترین فرزندان خلق و پیشتازان

سرفراز قله آزادگی، را که در ظلمتکده تاریک دیکتاتوری حاکم بر خاسته، فریاد کشیده و مشت گره کرده بودند، به جوخه اعدام سپرد.

برای اعمال یک جنایت، نجیب باید مجهز به اندیشه ای بوده باشد که ویژگی (خاصیت) اصلی آن عدم احترام به حیات انسانها و به طور خاص به حق حیات مخالفان خود است. این عدم احترام از شرایط تربیتی و فرهنگی و حتی خصلت های ژنتیک وی برمی آید که احترام به حق حیات و رعایت حق بقای فزیکدی دیگران را نیاموخته بود و به خود حق می داد تا هر مخالف سیاسی، تباری خود را «دشمن» بنامد و به هر وسیله ای از صحنه حذف کند. با آغاز ستراتیژی حذف، مراحل مختلف آن چون تطمیع، تهدید، اعمال خشونت، ترور شخصیتی و سرانجام حذف فزیکدی را با شتاب زدگی عملی می کرد و رقیب را به عنوان مزاحم منافع سیاسی و ایدیولوژیک خود از بین می برد. نجیب مردی بود که در نوجوانی با روان سادیستی بر دو کلفت (خدمتگار) خانه تجاوز می کند؛ سپس پسر جوانی را به نام ببرک مورد تجاوز جنسی قرار می دهد؛ مینو خواهر کوچکش را در پشاور بر سکوی سنگی می کوبد که بعد ها به اثر تورم پرده دماغ جان می سپارد؛ موی بافته مادر خود را با پوست سرش می کند؛ مادر بزرگ پیرش را زیر لت کوب می گیرد؛ بینی بهرام، مامایش را می شکند؛ مهره های کمر صالحه خواهرش را با لگد زدن آسیب می رساند؛ دو برادرش صدیق و روشن را زیر بار اهانت، مشت و لگد به بیماران روانی بدل می سازد؛ پدرش را وادار به رشوه ستانی می کند و در فرجام عضو حزب دموکراتیک خلق می شود و آنگاه با توانایی بر سکوی دانشگاه (پوهنتون) سخنرانی های داغی می کند. جادوی کلامش شماری را افسون می کند.

در سال ۱۹۷۳ به وسیله شاه محمد دوست و حزب کمونیست هندوستان عضویت کی.جی.بی را می گیرد و با نام مستعار «پوتوموک» در آرشیف کی.جی.بی درج می شود.

پس از کودتای هفت ثور مبلغ ۲۱ میلیون ریال را از سفارت افغانستان در تهران می دزدد و هوتلی را به نام هلنا بایو در یوگوسلاوی می خرد. در ششم جدی از سوی اندره پوف به ریاست دستگاه جهانی خاد برگزیده می شود و در نخستین روزهای ماه جدی ریاست جمهوری آینده هم برایش وعده داده می شود.

سازمان خاد در مبارزه مسلحانه علیه مردم نقش فعالی داشت و در ادارات دولتی ۹۵۰۰ مخبر خاد شامل بود. تنها در فبروری ۱۹۸۱ آنها ۹۶۰۰ خانه را تلاشی کردند.

خاد در فبروری ۱۹۸۲ سازمان مخفی «رهایبی» را با ۱۳۰ مبارز، چاپخانه و دستگاه رادیویی آن از بین برد. این سازمان پیوند گسترده ای با استادان، دانشجویان و ادارات دولتی داشت. افزون بر

آن ۱۵۰۰ عضو سازمان های مخفی را دستگیر و ۱۷۰ ماوئیست را روانه شکنجه گاه های خاد و پلچرخ کرد. تنها در سال ۱۹۸۲، در دستگاه خاد ۳۵۰ جاسوس حرفه ای وابسته به کی.جی.بی و ۲۵۰ جاسوس غیر حرفه ای وجود داشت. در نیمه اول سال ۱۹۸۲ خاد در ۷۵۰ عملیات گسترده محلی برای سرکوب مجاهدین سهم گرفت .

خاد در حدود بیست هزار جوان قبیله خدران (پکتیا) را برای تفتین و آشفته سازی روابط بین قبایل و مجاهدین مسلح ساخت و ۴۱ میلیون افغانی را هزینه آنها کرد. خاد با ۳۱۵ تن از سران و خان های هژده قبیله به تفاهم رسید و این قبایل از کمک های مادی خاد بهره می گرفتند که افزون بر آن به رهبران آنها رشوه نیز می پرداخت.

خیربخش مری، سه پسر خوش چهره و یک دختر داشت. نجیب دخترش را با هزینه خاد برای تحصیل به انگلستان فرستاد. پسران خیربخش مری هر یک موترهای آخرین مدل را با پول خاد زیر پا داشتند و هر دختری را که می خواستند به زور از شهر نو کابل با خود می بردند. روزی برادر یکی از این دختران هنگام دفاع از خواهرش به وسیله پسر خیربخش مری هدف تیراندازی قرار گرفت و جان سپرد؛ اما با پشتوانه نجیب هیچ مقامی یارای بازجویی از پسر خیربخش مری را نداشت.

نجیب برای همه خوشگذرانی ها و برنامه های غیر انسانی اش به پول هنگفتی نیاز داشت. وی سرفراز مومند را به عنوان قنسل در پشاور مقرر کرد. حاتم قیس که وکیل التجار و سرپرست بانک در پشاور بود، روایت می کرد: «روزها سرفراز مومند اسناد ساختگی می آورد و به بهانه بمب گذاری و تخریب کاری فلان جا چند ملیون، برای خرید و ترور فلان شخص چند صد هزار، برای خرید سران و خان های قبایل چند ملیون از بانک ما پول می کشید. من می دانستم که بخشی از این پول ها در جای دیگری انباشته می شود. زمانی که از قنسل پرسیدم، وی اعتراف کرد و گفت این پول ها به حساب شخصی نجیب برای روز مبادای وی انباشته می شود.» بدین گونه نجیب از بودجه غیر قابل شمار خاد و نشر بانک نوت های بدون پشتوانه، مبلغ هشتاد میلیون دالر را به حساب شخصی خود انتقال داد و بخشی از این پول های دزدی و اختلاس خود را نزد «حاجی هزار یز» به سود گذاشته بود و بخشی از آن را با سراج حاجی در بنگاه بازرگانی «افغان کارت» سرمایه گذاری کرد.

---

\*با استفاده از آمار (کی جی بی در افغانستان)

نوشتۀ: شمس روشنگر عباسی (بامیان)